

Geopolitics of the Axis of Resistance and Its Impact on Regional Security Policymaking in Iran

Mahdi Ahmadi

(Ph.D. Candidate in Political Geography, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Department of Political Geography, Tehran, Iran)

Ali Beijani

(Assistant Professor of Political Geography, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Department of Political Geography, Tehran, Iran. Corresponding Author)

Hossein Mojtaba Zadeh

(Assistant Professor of Political Geography, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Department of Political Geography, Tehran, Iran)

Abstract

Geopolitical Analysis of the Resistance Axis is considered one of the key factors influencing security policy trends in the region, holding particular significance within Iran's political framework. The Resistance Axis generally refers to a coalition of states, organizations, and diverse groups united by common goals, such as countering the influence of major powers and resisting external threats. Iran, as a central pillar of this axis, not only plays a critical role in shaping regional strategies but also strives to ensure its national security against foreign threats through specific policies. based on this perspective, the study seeks to address the question: How does the geopolitics of the Resistance Axis impact the security policymaking of the Islamic Republic of Iran at the regional level? In terms of research methodology, a descriptive-analytical approach has been employed. The findings suggest that bolstering the geopolitics of the Resistance Axis through fostering regional integration and diminishing the influence of foreign powers in the Middle East can enhance Iran's security-oriented regional policymaking. Moreover, results indicate that strengthening the Resistance Axis with a strategic and adaptive approach has the potential to create balance and manage regional threats such as international terrorism, external power infiltration, and secessionist movements.

Keywords: Geopolitics, Resistance Axis, Policymaking, National Security, Islamic Republic of Iran

ژئوپلیتیک محور مقاومت و تاثیر آن بر سیاستگذاری امنیتی منطقه ای در ایران

مهدی احمدی

(دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه جغرافیای سیاسی، تهران، ایران)

علی بیژنی

(استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه جغرافیای سیاسی، تهران، ایران. نویسنده

مسئول)

حسین مجتبی زاده

(استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه جغرافیای سیاسی، تهران، ایران)

چکیده

تحلیل ژئوپلیتیک محور مقاومت به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر روند سیاستگذاری امنیتی در منطقه، اهمیت ویژه‌ای در نظام سیاسی ایران دارد. محور مقاومت به طور کلی به مجموعه‌ای از دولت‌ها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف اطلاق می‌شود که با اهداف مشترک، از جمله مقابله با نفوذ قدرت‌های بزرگ و ایستادگی در برابر تهدیدات خارجی، فعالیت می‌کنند. ایران، به عنوان یکی از ارکان اصلی این محور، نه تنها نقشی کلیدی در شکل‌دهی به استراتژی‌های منطقه‌ای ایفا کرده، بلکه از طریق اتخاذ سیاست‌های خاص، تلاش می‌کند امنیت ملی خود را در برابر تهدیدات خارجی تضمین نماید. بر همین مبنا مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که ژئوپلیتیک محور مقاومت چه تاثیری بر سیاستگذاری‌های امنیتی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران دارد؟ در بخش روش تحقیق، از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده است و یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که تقویت ژئوپلیتیک محور مقاومت، از طریق ایجاد همگرایی منطقه‌ای و کاهش نفوذ قدرت‌های بیگانه در خاورمیانه، می‌تواند؛ سیاستگذاری‌های امنیتی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران را ارتقا دهد همچنین نتایج نشان داده‌اند که تقویت ژئوپلیتیک محور مقاومت با رویکرد هوشمندانه و انعطاف‌پذیر، ظرفیت ایجاد تعادل و مهار تهدیدات منطقه‌ای از جمله تروریسم بین‌المللی، نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تجزیه‌طلبی را دارا می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، محور مقاومت، سیاستگذاری، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران

۱. مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران سبب تحول در منطقه غرب آسیا شد و معادلات نظام بین الملل را از هم گسست. از مهمترین پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران مقابله با ترتیبات سیاسی آمریکا در منطقه و تقابل با رژیم صهیونیستی بود. شکل گیری اسلام سیاسی برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی محور مقاومت با رهبری و نقش محوری ایران شکل گرفت، مبتنی بر اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی ایران، حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران و عمق بخشی و توسعه گفتمان و آرمان انقلاب از مبانی اصلی تأمین امنیت به شمار میروند که میان امنیت ملتهای مسلمان و امنیت ملی، پیوند برقرار کرده است. از سویی دیگر پیروزی انقلاب سبب شد که هم در ساختار و هم در کارکرد نظام بین الملل تغییر و تحولاتی اساسی رخ دهد. در ساختار نظام بین الملل با توجه به حاکم بودن نظام دوقطبی ایجاد جبهه ای جدید بدون اتکا به غرب و شرق سبب فعال تر شدن جنبش عدم تعهد و ملتهای مستقل شد تا جایی که توانستند در عرصه روابط بین الملل نقش آفرین شوند. از مهمترین تأثیرات انقلاب اسلامی شکل گیری و تقویت محور مقاومت بود. بنابراین بین تقویت و توسعه محور مقاومت و امنیت جمهوری اسلامی ارتباطاتی وجود دارد.

مقاله حاضر با هدف بررسی یکی از برجسته ترین موضوعات در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران آغاز می شود؛ موضوعی که در قلب تحولاتی ژرف در جغرافیای سیاسی منطقه و جهان قرار دارد. ژئوپلیتیک محور مقاومت به عنوان مفهومی پیچیده و چندوجهی، نه تنها به امنیت داخلی ایران گره خورده است، بلکه در چالشها و فرصت های منطقه ای و بین المللی نیز تأثیرگذار است. اهمیت این محور فراتر از تحلیل های سنتی و صرفاً نظامی است و به ابعاد گسترده ای از دیپلماسی، ایدئولوژی، اقتصاد و فرهنگ امتداد می یابد. در این مقاله، تلاش شده است تا ساختار و مؤلفه های اصلی ژئوپلیتیک محور مقاومت مورد بررسی قرار گیرد و تأثیرات آن بر امنیت ملی کشور تشریح شود. همچنین، چالش های پیچیده ای که جمهوری اسلامی ایران در داخل این چارچوب با آن روبه روست، از منظر تحولات منطقه ای و فشارهای بین المللی واکاوی خواهد شد. این چالشها گاهی به واسطه رقابت های قدرت های فرامنطقه ای تشدید شده و گاهی از درون پویای متنوع و متضاد منطقه ای سرچشمه می گیرند. مقاله حاضر از مباحث بنیادی و نظری در حوزه گفتمان محور مقاومت است که نتایج و پیامدهای عملی و عینی به همراه خواهد داشت. بر این مبنا روش کار توصیفی - تحلیلی است بدین معنا که ابتدا به توصیف ژئوپلیتیک محور مقاومت پرداخته و سپس به تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (چالش های منطقه ای و بین

المللی) پرداخته خواهد شد؛ روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه ای می باشد بر همین مبنا سوال این است که ژئوپلیتیک محور مقاومت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چه تاثیری دارد؟ بر مبنای این سوال، فرضیه آن است که تقویت ژئوپلیتیک محور مقاومت، از طریق ایجاد همگرایی منطقه‌ای و کاهش نفوذ قدرت‌های بیگانه در خاورمیانه، می‌تواند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را ارتقا دهد همچنین نتایج نشان داده‌اند که تقویت ژئوپلیتیک محور مقاومت با رویکرد هوشمندانه و انعطاف‌پذیر، ظرفیت ایجاد تعادل و مهار تهدیدات منطقه‌ای از جمله تروریسم بین‌المللی، نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تجزیه‌طلبی را دارا می‌باشد.

۲. ادبیات تحقیق

رویکردهای گفتمانی به امنیت از جمله حوزه‌های مهم مطالعاتی در نظریه‌های روابط بین‌الملل هستند که تأکید آن‌ها بر تحلیل معنا، ساختارهای اجتماعی و نحوه شکل‌گیری مفاهیم امنیت در بسترهای مختلف است. در این میان، مکتب کپنهاگ و نظریه سازه انگاری دو جریان برجسته و اثرگذار در این زمینه به شمار می‌روند.

مکتب کپنهاگ^۱، که با پژوهشگرانی مانند باری بوزان^۲ و اول ویور^۳ شناخته می‌شود، رویکردی گفتمانی و انتقادی به موضوع امنیت ارائه می‌دهد. این مکتب بر روی مفهوم امنیتی‌سازی تمرکز ویژه‌ای دارد. امنیتی‌سازی به فرایندی اشاره دارد که در آن یک مسئله روزمره، مانند محیط‌زیست یا مهاجرت، از طریق گفتمان سیاسی به‌عنوان یک تهدید وجودی برای جامعه یا دولت معرفی می‌شود. این تغییر ماهیت عمدتاً از طریق یک کنش گفتاری توسط نهادهای قدرتمند مانند دولت‌ها یا رسانه‌ها انجام می‌شود (Adibzadeh, 2018: 118). برای مثال، اگر یک رهبر سیاسی مهاجرت را به صورت تهدیدی برای هویت ملی توصیف کند، این مسئله دیگر صرفاً در حوزه سیاست عمومی باقی نمی‌ماند و به حوزه امنیت منتقل می‌شود. فرآیند امنیتی‌سازی شامل سه مؤلفه اصلی است:

- عامل امنیتی‌ساز: نهادی یا فردی که مسئله‌ای را امنیتی می‌کند (مانند دولت).
- موضوع ارجاعی: چیزی که باید مورد حفاظت قرار گیرد (مانند هویت، محیط‌زیست یا حاکمیت).
- مخاطب: گروه یا افرادی که گفتمان امنیتی باید مورد پذیرش آن‌ها واقع شود (مثل عامه مردم یا نهادهای بین‌المللی).

¹ - Copenhagen School

² - Bari Buzan

³ - Owl Weaver

با این حال، این رویکرد از انتقاداتی نیز بی‌بهره نیست. منتقدان بر این باورند که مکتب کپنهاگ بیش از حد بر نقش دولت‌ها تمرکز کرده و نقش بازیگران غیردولتی را نادیده می‌گیرد. همچنین، خطر سوءاستفاده از فرآیند امنیتی‌سازی برای محدود کردن آزادی‌های مدنی نیز یکی از نگرانی‌های کلیدی است.

سازه انگاری^۱ در حوزه روابط بین‌الملل به‌طور ویژه بر نقش ایده‌ها، هنجارها و گفت‌وگوها در شکل‌دهی به واقعیت‌های اجتماعی و امنیتی تأکید دارد و رویکردی مقابل دیدگاه‌های مادی‌گرایانه‌ای چون واقع‌گرایی ارائه می‌دهد. در این چارچوب، امنیت نه یک واقعیت عینی و مستقل، بلکه یک سازه اجتماعی تلقی می‌شود که از طریق تعاملات و گفت‌وگوهای مختلف شکل می‌گیرد. یکی از مفاهیم کلیدی در سازه انگاری، اهمیت هویت^۲ و هنجارها^۳ است؛ این عوامل هستند که منافع و رفتارهای امنیتی کشورها را تعیین می‌کنند. به عنوان مثال، تغییری که پس از جنگ سرد در گفت‌وگو میان دولت‌ها از «دشمنی» به «همکاری» صورت گرفت، نمونه‌ای از این فرآیند است. (Khoshkhti, 2016: 52)

تفاوت مهم سازه انگاری با مکتب کپنهاگ این است که سازه انگاری به جای اینکه تنها بر موضوع امنیتی‌سازی متمرکز شود، بر فرآیند وسیع‌تر شکل‌گیری هویت‌ها و نهادها تأکید دارد. همچنین، این نظریه به نقش بازیگران غیردولتی در این فرآیندها توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد.

۳. یافته‌های تحقیق

امنیت ملی ایران به شدت تحت تأثیر موقعیت استراتژیک و منافع منطقه‌ای قرار دارد. حضور در محور مقاومت به ایران امکان می‌دهد تا نفوذ سیاسی و نظامی خود را در منطقه گسترش دهد، اما همچنین چالش‌هایی مانند تحریم‌های اقتصادی و فشارهای دیپلماتیک را نیز به همراه دارد. از آنجا که سیاست‌های جمهوری اسلامی در راستای حمایت از گروه‌های مقاومت همچون حزب‌الله لبنان، حماس، و گروه‌های شیعی در عراق و سوریه قرار دارد، این سیاست‌ها ممکن است به تنش‌های منطقه‌ای دامن بزنند. در بعد بین‌المللی، حضور ایران در محور مقاومت منجر به محدودیت‌هایی در روابط دیپلماتیک با برخی کشورها شده و ممکن است امنیت ملی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، این سیاست‌ها توانسته‌اند هم‌پیمانی استراتژیک برای ایران در مقابله با تهدیدات احتمالی فراهم کنند.

۳-۱- تأثیرات ژئوپلیتیکی محور مقاومت بر سیاستگذاری امنیتی منطقه‌ای در ایران

محور مقاومت، که متشکل از بازیگران منطقه‌ای و نیروهای حامی جریان مقاومت در برابر نفوذ خارجی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای است، نقش کلیدی در معادلات امنیتی ایران ایفا می‌کند. این محور به‌عنوان ابزاری راهبردی، امکان دفاع

1 - Constructivism

2 - Identity

3 - Norms

پیش‌دستانه را برای ایران فراهم کرده و از ظرفیت تقویت عمق استراتژیک کشور بهره‌برداری می‌کند. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در مرکزیت این محور، نه تنها با ایجاد بازدارندگی در برابر تهدیدات بین‌المللی و منطقه‌ای همراه بوده، بلکه به لحاظ دیپلماتیک نیز به تقویت جایگاه منطقه‌ای کشور انجامیده است (Naderi, 2024: 2). از منظر امنیت ملی، همکاری با محور مقاومت موجب کاهش آسیب‌پذیری ایران در برابر تحرکات خصمانه شده و زمینه را برای گسترش نفوذ ایدئولوژیک و سیاسی کشور در منطقه فراهم کرده است. با این حال، نباید از چالش‌های مرتبط با این اتحادها غافل شد؛ از جمله فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها، و واکنش‌های کشورهای رقیب که به شکلی مستقیم بر سیاست داخلی و خارجی ایران تأثیر می‌گذارند.

الف: امنیت مرزها و عمق استراتژیک محور مقاومت که به عنوان یک شبکه متشکل از گروه‌ها و دولت‌های همسو با ایران تعریف می‌شود، با هدف مقابله با نفوذ غرب، رژیم صهیونیستی، و همچنین قدرت‌های رقیب منطقه‌ای در خاورمیانه به وجود آمده است. این محور شامل بازیگران متعددی از جمله حزب‌الله لبنان، گروه‌های شبه‌نظامی شیعه در عراق مانند حشد شعبی، انصارالله یمن و دولت سوریه است (Chegini, 2021: 112-113). تأثیرات این اتحاد بر امنیت ملی ایران، به ویژه در موضوعاتی همچون تامین امنیت مرزها و گسترش عمق استراتژیک، ابعاد گسترده و پیچیده‌ای را شامل می‌شود. محور مقاومت علاوه بر ارائه سپر حفاظتی برای ایران، فرصت‌هایی را نیز جهت تثبیت نقش منطقه‌ای و تقویت موقعیت راهبردی کشور در برابر تهدیدات خارجی فراهم کرده است.

ب: بازدارندگی نظامی: محور مقاومت، که به عنوان شبکه‌ای گسترده از متحدان و گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه شناخته می‌شود، شامل طیف وسیعی از بازیگران مختلف مانند حزب‌الله لبنان، گروه‌های مسلح عراقی، حوثی‌های یمن و نیروهای وابسته به ایران در سوریه است. این شبکه، با توجه به تنش‌ها و رقابت‌های ژئوپلیتیکی در منطقه و فراتر از آن، نقشی اساسی و غیرقابل انکار در راهبردهای امنیتی و سیاست خارجی ایران ایفا می‌کند. محور مقاومت را می‌توان ابزاری چند منظوره دانست که نه تنها در حوزه دفاعی و نظامی فعال است بلکه به شکل گسترده‌ای در مدیریت فشارهای اقتصادی و سیاسی ناشی از تحریم‌ها نیز نقش دارد.

۳-۲- چالش‌ها و تهدیدها بر سیاست‌های منطقه‌ای

محور مقاومت به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در سیاست منطقه‌ای خاورمیانه، نقش قابل توجهی در تعیین تعاملات و معادلات امنیتی منطقه دارد. ژئوپلیتیک این محور نه تنها بر تحولات سیاسی و نظامی کشورهای عضو تأثیرگذار است، بلکه به شکل مستقیم بر امنیت ملی ایران نیز اثر می‌گذارد. در عصر کنونی، ایران به عنوان یکی از بازیگران اصلی این محور با چالش‌ها و تهدیدهای متعددی مواجه است که از ابعاد مختلف قابل بررسی هستند. این موارد شامل فشارهای بین‌المللی،

تعارضات منطقه‌ای، جنگ‌های نیابتی و مسائل ایدئولوژیک می‌باشند. هدف این قسمت بررسی چالش‌ها و تهدیدات در قبال ژئوپلیتیک محور مقاومت بر امنیت ملی ایران است:

الف: خطرات گسترش نفوذ اسرائیل در خلیج فارس و آفریقا: اسرائیل در سال‌های اخیر، با تکیه بر دیپلماسی فعال و استفاده از فرصت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، گام‌های مهمی در جهت گسترش نفوذ و تاثیرگذاری خود برداشته است. از جمله شاخص‌ترین این اقدامات، می‌توان به روند عادی‌سازی روابط سیاسی و اقتصادی این کشور با برخی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس اشاره کرد. با بهره‌گیری از توافقنامه‌های موسوم به ابراهیم، اسرائیل موفق شده است روابط خود را با کشورهایی مانند امارات متحده عربی و بحرین به سطح جدیدی ارتقا دهد، که این تغییرات نه تنها ابعاد اقتصادی، بلکه پیامدهای استراتژیک و امنیتی نیز به همراه داشته است. (Nejat,2023: 55)

علاوه بر این، اسرائیل تلاش‌های گسترده‌ای جهت تقویت حضور فعال خود در قاره آفریقا انجام داده است. نقش‌آفرینی در زمینه‌هایی نظیر امنیت، فناوری و کشاورزی، به اسرائیل این امکان را داده است که جایگاه خود را در میان کشورهای آفریقایی مستحکم کرده و روابط چندجانبه‌ای را در این مناطق پایه‌ریزی کند. این اقدامات هم‌زمان با هدف تامین منافع اقتصادی بلندمدت و همچنین ایجاد ظرفیت‌های جغرافیایی- سیاسی برای افزایش فشار بر رقبای منطقه‌ای، خصوصاً ایران، دنبال شده‌اند (Neko'nal,2020: 81). در نتیجه، سیاست‌های اخیر اسرائیل به وضوح نشان می‌دهد که این کشور علاوه بر دستیابی به اهداف توسعه‌ای و اقتصادی، سعی دارد از طریق تحکیم روابط دیپلماتیک با جهان عرب و مناطق دیگر مانند آفریقا، با یک استراتژی جامع‌تر عمل کرده و حلقه محاصره ژئوپلیتیک علیه ایران را تنگ‌تر کند. این فرآیند نه تنها با بهره‌گیری از ابزارهای نرم‌افزاری مانند دیپلماسی و فناوری تقویت شده، بلکه از طریق تعامل امنیتی و اشتراک منافع استراتژیک نیز شکل گرفته است.

ب: رقابت با قدرت‌های سنتی منطقه: رقابت سه‌جانبه میان ایران، عربستان سعودی و ترکیه برای دستیابی به هژمونی منطقه‌ای، چالش‌های متعددی را برای امنیت ملی ایران پدید آورده است. هرکدام از این کشورها، با اتخاذ رویکردهای منحصر به خود، تلاش دارند تا نفوذ ایران را محدود کنند و جایگاه برتری در معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه به دست آورند.

عربستان سعودی با استفاده از ابزارهای مختلف، سعی در تضعیف موقعیت ایران دارد. این کشور با سرمایه‌گذاری بر گروه‌های ضدایرانی همچون جیش‌العدل در بلوچستان و حمایت از جناح‌های تندرو سنی در عراق و سوریه، تلاش می‌کند تا تهدیدات مستقیم امنیتی علیه ایران ایجاد کند. علاوه بر این، افزایش تولید نفت برای کاهش قیمت جهانی و ایجاد فشار بر منابع درآمدی ایران، به همراه اعمال نفوذ در اوپک برای محدود کردن سهم ایران از بازار انرژی، بخشی از سیاست‌های این

کشور است. ترکیه نیز با تمرکز بر گسترش نفوذ خود در مناطق شمالی سوریه و عراق، به دنبال تعادل بخشی به منافع خود در برابر حضور ایران در این مناطق است، به‌ویژه در مقابل نقش کلیدی ایران در حمایت از گروه‌هایی مانند حشدالشعبی. افزون بر این، ترکیه با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی و اقتصادی نظیر تولید سریال‌های تلویزیونی پرتعداد، تلاش می‌کند نفوذ ایران را در میان جوامع شیعی منطقه کاهش دهد و نوعی ایجاد جذابیت فرهنگی برای تقویت جایگاه خود رقم بزند (Heidari, 2022: 213). این رقابت‌های چندجانبه و تأثیرات آن بر ابعاد امنیتی، اقتصادی و فرهنگی ایران ضرورت بازنگری و اتخاذ استراتژی‌های مبتکرانه برای مقابله با این چالش‌ها را دوچندان کرده است.

پ: تحریم‌های آمریکا تحت عنوان «حداکثر فشار» و تأثیر آن بر توان مالی ایران برای حمایت از متحدان: تحریم‌های آمریکا که از سال ۲۰۱۸ میلادی با هدف کاهش و در نهایت قطع منابع درآمدی نفتی و مالی ایران اعمال شده‌اند، تأثیرات عمیقی بر توانایی تهران در حمایت از متحدان خود در ساختار مقاومت منطقه‌ای داشته‌اند. این تحریم‌ها که به‌طور خاص صنایع نفت و بانکداری را هدف گرفته‌اند، شرایط اقتصادی جمهوری اسلامی را به‌گونه‌ای دشوار کرده‌اند که ادامه حمایت مالی و نظامی از گروه‌هایی همچون حزب‌الله لبنان، حوثی‌های یمن و گروه‌هایی مرتبط در عراق مانند فتح اسلامی، بسیار چالش‌برانگیز شده است. کاهش درآمدهای نفتی، که زمانی ستون اصلی اقتصاد ایران به حساب می‌آمد، دسترسی ایران به منابع مالی لازم برای اجرای برنامه‌های منطقه‌ای خود را محدود کرده است. از سوی دیگر، محدودیت‌های گسترده در تعاملات بانکی بین‌المللی نیز بر روابط اقتصادی تهران و متحدانش سایه انداخته و نحوه انتقال کمک‌ها و تسلیحات را برای این گروه‌ها دشوارتر از گذشته کرده است.

همچنین چالش‌های اقتصادی و منطقه‌ای ایران در سال‌های اخیر، به‌ویژه با کاهش شدید درآمدهای ارزی و محدودیت‌های ارتباطات مالی بین‌المللی، نمود پیدا کرده است. کاهش ۹۰ درصدی درآمدهای حاصل از صادرات نفت ایران، از حدود ۱۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به کمتر از ۱۰ میلیارد دلار در ۲۰۲۱، فشار بی‌سابقه‌ای بر اقتصاد کشور وارد کرده است. این افت درآمدی نه تنها موجب کسری بودجه داخلی شده، بلکه توان ایران در تأمین مالی گروه‌های مقاومت و حمایت از متحدان منطقه‌ای را نیز کاهش داده است (Asgari, 2023: 72)؛ تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت در استفاده از سیستم بانکی موجب شده است ایران به روش‌های جایگزین روی آورد. انتقال منابع مالی از طریق رمزارزها، شبکه‌های غیررسمی مالی یا روش‌های خلاقانه دیگر، به‌عنوان گزینه‌هایی مطرح شده‌اند که البته برخی از آنها با ریسک‌های بالا و کارایی محدود همراه هستند.

ت: محدودیت های بانکی بین المللی^۱ و مشکلات انتقال منابع به گروه های مقاومت: از زمان حذف ایران از سیستم سوئیفت در سال ۲۰۱۸، چالش های متعددی پیش روی نقل و انتقالات مالی کشور قرار گرفته است، چالش هایی که نه تنها در مقیاس داخلی بلکه در روابط و تعاملات بین المللی نیز تأثیرات عمیقی به جا گذاشته اند. این وضعیت، نگرانی های بسیاری را در ابعاد اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایجاد کرده و هزینه های مستقیم و غیرمستقیمی را بر اقتصاد کشور تحمیل نموده است. از جمله پیامدهای اصلی این رویداد، می توان به افزایش قابل توجه هزینه های مبادلات مالی اشاره کرد. در غیاب دسترسی به کانال های مالی مستقیم و رسمی، ایران مجبور به استفاده از روش های جایگزین مانند سیستم های سنتی انتقال پول همچون هاوالا یا حتی مبادلات مبتنی بر طلا شده است. این روش ها معمولاً شفافیت کمتری دارند و همراه با کارمزدهای بالاتر و فرآیندهای زمان برتری هستند، که در نهایت موجب کاهش کارآیی اقتصادی می شوند. (Panahandeh, 2021: 88-89)

یکی دیگر از اثرات حذف ایران از سوئیفت، تأخیرهایی است که در انتقال کمک های مالی به متحدان منطقه ای ایجاد شده است. این مسئله به ویژه در شرایط بحرانی مانند جنگ غزه در سال ۲۰۲۳، به صورت ملموس خود را نشان داده است. تأخیر در ارسال منابع مالی یا تجهیزات مورد نیاز، ممکن است به خلأهای جدی در پشتیبانی لجستیکی بینجامد که نهایتاً شانس موفقیت عملیات های تاکتیکی را کاهش می دهد.

ث: نقش شبکه های اجتماعی و رسانه های غربی در تخریب تصویر محور مقاومت: رسانه های غربی و پلتفرم های پرمخاطبی همچون توئیتر، فیسبوک و اینستاگرام، با بهره گیری از سیاست های هدفمند و برنامه ریزی شده در زمینه تولید محتوا، تلاش می کنند تا تصویری منفی و مخدوش از محور مقاومت ارائه دهند. از جمله تهدیدهای جدی این فعالیت ها، تقویت و نهادینه سازی گفتمان ضدایرانی در افکار عمومی جهانی و منطقه ای است که غالباً از طریق بهره برداری از پرونده های حقوق بشری، مانند طرح موضوع هایی نظیر اعدام معترضان یا سرکوب حقوق زنان در ایران، انجام می شود (Halimi, 2021: 16).

این گونه پرونده سازی ها اثر مستقیمی بر تصویرسازی بین المللی از ایران و محور مقاومت دارند و سعی می کنند اعتبار آن ها را تحت الشعاع قرار دهند. به موازات این اقدامات، انتشار و پخش اخبار جعلی و تحریف شده نیز بخش دیگری از این راهبرد است. نمونه هایی مانند ادعای ناکامی های ایران در صحنه های منطقه ای همچون سوریه با هدف ایجاد تضعیف روحیه میان حامیان محور مقاومت، به وضوح نشان از طراحی یک جنگ روانی دارد. هدف این است که احساس ناامیدی و شکست را به بدنه طرفداران منتقل کنند.

۳-۳- راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با چالش ها

1 - SWIFT

جمهوری اسلامی ایران در چارچوب ژئوپلیتیک «محور مقاومت» و برای مقابله با چالش‌های پیش روی منافع ملی، مجموعه‌ای از راهبردهای چندجانبه را در عرصه‌های مختلف از جمله نظامی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک به مرحله اجرا درآورده است. این راهبردها با هدف تأمین امنیت ملی، تقویت نقش و نفوذ منطقه‌ای، و کاهش اثرات فشارهای خارجی (به‌ویژه تحریم‌ها و اقدامات تخریبی ایالات متحده و هم‌پیمانانش) طراحی و عملیاتی شده‌اند. در ادامه، ابعاد مختلف این سیاست‌ها و پیامدهای ناشی از آن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

الف: تقویت توان بازدارندگی نظامی: پیشرفت‌های موشکی ایران طی سال‌های اخیر نه تنها به عنوان بخشی از برنامه دفاعی این کشور مطرح بوده، بلکه به ابزاری راهبردی برای تأمین بازدارندگی نامتقارن در منطقه نیز تبدیل شده است. توسعه سامانه‌های موشکی بالستیک و کروز، همچون خانواده موشک‌های خرمشهر، فاتح و قدر، به همراه پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه پهپادهای پیشرفته‌ای نظیر شاهد ۱۳۶ و ابابیل، جایگاه ایران را در عرصه نظامی منطقه‌ای تقویت کرده است. این تلاش‌ها صرفاً به منظور مقابله با تهدیدات خارجی نیست، بلکه ایران از این توانمندی‌ها در چارچوب ابزارهای فشار سیاسی و هویتی در مذاکرات حساس بین‌المللی، از جمله مذاکرات مربوط به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، نیز بهره‌برداری می‌کند. (Alizadeh, 2019: 62)

در حوزه برنامه هسته‌ای، علی‌رغم تنش‌ها و تحریم‌های گسترده بین‌المللی، ایران توانسته است ضمن حفظ چرخه کامل سوخت هسته‌ای و پیشبرد غنی‌سازی اورانیوم تا سطح ۶۰ درصد، فناوری‌های مرتبط با این حوزه را توسعه دهد. این رویکرد به ایران امکان می‌دهد تا نه تنها اهرم معناداری در مذاکرات بین‌المللی کسب کند، بلکه با تقویت زیرساخت‌های دفاعی خود از وقوع یک حمله نظامی احتمالی نیز جلوگیری کند (Panahandeh, 2021: 116)؛ علاوه بر موارد مذکور، ایران از طریق همکاری‌های فنی-نظامی به طور غیرمستقیم بر معادلات امنیتی منطقه تأثیرگذار بوده است. انتقال فناوری پهپادی به متحدان مختلف همچون حزب‌الله لبنان و نیروهای حوثی در یمن از جمله نمونه‌های بارز این راهبرد هستند.

ب: تمرکز بر جنگ نامتقارن و نیابتی: حمایت از گروه‌های نیابتی یکی از حیاتی‌ترین راهبردهای منطقه‌ای ایران برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیکی و حفظ توازن قوا بدون ورود مستقیم به درگیری‌های نظامی است. ایران با ارائه پشتیبانی مالی، تسلیحاتی و آموزشی به گروه‌هایی نظیر حزب‌الله در لبنان، حشد الشعبی در عراق، انصارالله در یمن و لشکر فاطمیون در افغانستان، شبکه‌ای قدرتمند از بازیگران غیردولتی را ایجاد کرده است که نقش مهمی در بازدارندگی منطقه‌ای ایفا می‌کنند. این گروه‌ها اغلب به‌عنوان سپر انسانی در نزدیکی مناطق استراتژیک عمل کرده و توانایی وارد کردن فشار به دشمنان را بدون نیاز به مشارکت مستقیم ایران فراهم می‌آورند. در واقع، حمایت از این گروه‌ها باعث شده تا ایران بتواند تاثیرگذاری

بیشتری بر تحولات منطقه‌ای داشته باشد، در حالی که ریسک‌های درگیری مستقیم خود را به حداقل می‌رساند. (Mirghisari,2022: 89)

در کنار این راهبرد، استفاده گسترده از عملیات سایبری و جنگ روانی یکی دیگر از ابزارهای کلیدی ایران برای مقابله با رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای محسوب می‌شود. واحدهای تخصصی سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به‌ویژه نیروی قدس و دستگاه‌های اطلاعاتی کشور، بارها در حملات سایبری شاخص علیه زیرساخت‌های حیاتی دشمنان نقش‌آفرینی کرده‌اند. علاوه بر این، بهره‌گیری هوشمندانه از رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های خبری فارسی‌زبان، ابزاری تاثیرگذار برای گسترش گفتمان مقاومت و متعاقباً تقویت حمایت عمومی از سیاست‌های ایران، هم در داخل کشور و هم در سطح منطقه‌ای، بوده است.

پ: استفاده از رمزارزها برای دور زدن تحریم‌ها: توسعه زیرساخت‌های رمزارزی در ایران طی سال‌های اخیر، به یکی از راهبردهای کلیدی این کشور برای کاهش وابستگی به سیستم‌های مالی تحت کنترل قدرت‌های جهانی، مانند سوئیفت، تبدیل شده است. از جمله شاخص‌ترین اقدامات در این زمینه، راه‌اندازی رمزریال به‌عنوان ارز دیجیتال ملی و صدور مجوز برای فعالیت‌های ماینینگ بوده است (Saeed-Vaziri,2021: 133-154). به‌ویژه در سال ۲۰۲۳، ایران توانسته سهمی بیشتر از ۱۰ درصد در استخراج جهانی بیت کوین را به خود اختصاص دهد که این امر نشان‌دهنده توسعه چشمگیر حوزه استخراج رمزارزها در کشور است. با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی همچون مصرف بالای انرژی و فشارهای بین‌المللی از سوی نهادهای جهانی، همچنان گریبانگیر این صنعت در کشور است. (Shahbazi,2024: 8-9)

در کنار تلاش‌ها برای تقویت زیرساخت‌های داخلی، ایران از ظرفیت رمزارزها برای معاملات بین‌المللی خود نیز بهره می‌گیرد. به‌ویژه در حوزه‌هایی نظیر تجارت نفت، که مستقیماً تحت تأثیر تحریم‌های شدید آمریکا قرار دارد، رمزارزها به ابزاری نوین برای دور زدن محدودیت‌های مالی تبدیل شده‌اند. همچنین گزارش‌ها نشان می‌دهند که ایران برای خرید کالاها و خدمات حساس مانند واکسن کووید-۱۹ از رمزارزها در تعامل با کشورهای نظیر روسیه و ونزوئلا استفاده کرده است. با این حال، استفاده از این ابزار مالی جهانی بی‌چالش نیست؛ نوسانات زیاد بازار رمزارزها، نبود قواعد مشترک بین‌المللی، و همچنین تحریم‌های ثانویه می‌توانند مانع اصلی بر سر راه استفاده گسترده‌تر ایران از این ابزار باشند. (Naderi,2024: 5)

ث: تقویت گفتمان مقاومت از طریق نهادهای فرهنگی: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی یکی از نهادهای کلیدی در پیشبرد دیپلماسی فرهنگی ایران به شمار می‌آید که با گسترش فعالیت‌های خود در بیش از ۸۰ کشور جهان، نقش مهمی در ترویج ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های تعریف‌شده جمهوری اسلامی ایفا می‌کند. این سازمان با تأسیس مراکز فرهنگی در منطقه‌هایی نظیر آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، در تلاش است مفاهیمی همچون «مقاومت ضد امپریالیستی» و «وحدت

اسلامی» را نه تنها به جامعه مسلمانان بلکه به مخاطبان گسترده‌تری معرفی کند. در این راستا، برنامه‌هایی مانند «جشنواره بین‌المللی مقاومت» برگزار شده و حمایت از فیلم‌سازان مستند ضدصهیونیستی نیز بخشی از اقدامات این نهاد به شمار می‌رود. این فعالیت‌ها نه تنها به افزایش آگاهی و تقویت اتحاد اجتماعی کمک می‌کنند، بلکه به نوعی بازتاب‌دهنده نقش ایران در حمایت از جریان‌های ضدسلطه محسوب می‌شوند. (Arizi, 2016: 117)

در بُعد دیگر، اقداماتی در راستای شبکه‌سازی در میان جوامع شیعه به ویژه در کشورهای مانند پاکستان، بحرین و نیجریه صورت می‌گیرد که عمدتاً از طریق همکاری با نهادهایی همچون «مجمع جهانی اهل بیت» هدایت می‌شوند. در همین حال، رسانه‌های برون‌مرزی ایران نیز به عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند برای انتشار پیام‌ها و روایت‌های مورد نظر جمهوری اسلامی عمل می‌کنند. شبکه‌های تلویزیونی مانند «هیسپان تی‌وی» که مخاطبان آمریکای لاتین را هدف قرار داده‌اند یا رادیوهای چندزبانه‌ای همچون «رادیو فارسی» که عمدتاً برای شنوندگان افغانستانی برنامه پخش می‌کند، در بازتولید اخبار با روایت ایرانی-اسلامی تلاش قابل توجهی دارند. این رسانه‌ها ضمن انتقال دیدگاه ایران به مخاطبان خارجی، نقش مؤثری در شکل‌دهی افکار عمومی منطقه‌ای و جهانی داشته و چهره متفاوتی از سیاست‌ها، ارزش‌ها و منافع جمهوری اسلامی ارائه می‌کنند.

ج: حمایت از کنفرانس‌های بین‌المللی ضدصهیونیستی: ایران از کنفرانس‌های بین‌المللی به عنوان ابزاری برای تقویت جایگاه خود در جبهه‌های جهانی بهره می‌برد. رویدادهایی مانند کنفرانس بین‌المللی قدس و همبستگی با مردم فلسطین، که میزبان گروه‌های چپ‌گرا، اسلام‌گرا و ضد جهانی‌سازی از سراسر جهان هستند، به ایران این امکان را می‌دهد که خود را به عنوان رهبر جبهه ضدصهیونیستی معرفی کند و بر مواضع سیاسی خود تاکید نماید. همچنین ایران با تقویت اتحاد با بازیگران غیردولتی و حمایت از جنبش‌های استقلال‌طلبانه‌ای چون فعالیت‌های جدایی‌طلبان پورتوریکو یا همکاری با گروه‌های ضدجنگ در کشورهای غربی، تلاش می‌کند ائتلاف‌هایی فراملی علیه هژمونی آمریکا شکل دهد. این روش نه تنها به ایجاد پیوندهای استراتژیک جدید کمک می‌کند بلکه ابزار دیپلماتیک قدرتمندی برای مقابله با فشارهای بین‌المللی فراهم می‌آورد.

۴. نتیجه‌گیری

ژئوپلیتیک محور مقاومت نقش قابل توجهی در تعیین مسیر سیاست‌گذاری امنیتی منطقه‌ای ایران ایفا می‌کند. این مفهوم به عنوان یک چارچوب استراتژیک، نه تنها اهداف بلندمدت ایران را در منطقه شکل می‌دهد، بلکه نحوه تعامل این کشور با بازیگران دیگر را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. تمرکز بر محور مقاومت به ایران امکان می‌دهد تا ضمن تقویت جایگاه خود در رقابت‌های منطقه‌ای، به مقابله مؤثر با تهدیدات امنیتی پرداخته و زمینه‌ساز ثبات نسبی در مناطق تأثیرپذیر گردد. بررسی

دقیق تاثیر این محور بر سیاستگذاری امنیتی نشان می‌دهد که ایران به صورت سیستماتیک تلاش می‌کند تا از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک محور مقاومت استفاده کرده و موقعیت استراتژیک خود را در معادلات منطقه‌ای تثبیت کند.

محور مقاومت در روند تحکیم سیاست‌های منطقه‌ای ایران، به‌ویژه در خاورمیانه، ابزاری برای مقابله با نفوذ قدرت‌های خارجی تلقی می‌شود که به ایجاد زمینه‌های گسترده‌تر برای تحقق امنیت ملی و منافع استراتژیک ایران کمک می‌کند. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از بازیگران اصلی در منطقه استراتژیک خاورمیانه، با تعهد خود به حمایت از محور مقاومت با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده سیاسی، امنیتی و اقتصادی در دو عرصه داخلی و بین‌المللی روبه‌رو است. این چالش‌ها از رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای گرفته تا تضاد منافع با قدرت‌های جهانی و تحریم‌های فزاینده اقتصادی، نمایانگر مسیری دشوار در دفاع از اهداف اعلام‌شده این کشور در حمایت از متحدانش است. در بُعد منطقه‌ای، ایران به واسطه دیدگاه‌ها و سیاست‌های خود در قبال محور مقاومت با مخالفت جدی برخی کشورهای عربی روبه‌روست. این تقابل نه تنها به منازعات نظامی و دیپلماتیک متعدد منجر شده است، بلکه شکاف‌های بین‌فرقه‌ای در خاورمیانه را نیز تشدید کرده است. از سوی دیگر، افزایش حضور و نفوذ بازیگران خارجی نظیر ایالات متحده و برخی کشورهای غربی در منطقه، بر پیچیدگی این رقابت‌ها افزوده و به مهندسی ساختار قدرت در خاورمیانه سرعت بخشیده است. تمایل این بازیگران به تقویت دولت‌ها و نیروهای مخالف محور مقاومت، فشارهای بیشتری را بر ایران وارد کرده و تلاش برای کاهش تاثیرگذاری این کشور در منطقه را به سطح جدیدی رسانده است. در سطح بین‌المللی، وضعیت پیچیده‌تر می‌شود؛ چرا که اعمال سیاست فشار حداکثری توسط دولت‌های غربی، به ویژه ایالات متحده، نه تنها اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار داده بلکه تلاش کرده تا این کشور را در صحنه دیپلماتیک منزوی کند. سازمان‌های بین‌المللی و چندجانبه نیز در موارد متعددی همسو با این سیاست‌ها عمل کرده‌اند و تلاش‌ها برای محدودسازی نقش ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی را شدت بخشیده‌اند. همچنین، استفاده گسترده از رسانه‌ها برای تخریب چهره محور مقاومت و القای تصویری منفی از ایران و متحدانش، یکی دیگر از ابزارهای نرم قدرت بوده که با حجم بالایی از تبلیغات هدایت‌شده اجرا شده است.

پیشنهادات

- تحلیل تأثیر تنش‌های منطقه‌ای بر محور مقاومت: بررسی این موضوع که چگونه تنش‌های موجود در سطح منطقه، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند خلیج فارس و شرق مدیترانه، می‌توانند بر انسجام محور مقاومت تأثیر بگذارند. آیا این تنش‌ها باعث تقویت رویکردهای مشترک این محور خواهند شد یا اختلافات و شکاف‌های درونی را افزایش می‌دهند؟

- ارزیابی اثرگذاری راهبردی هم‌پیمانان محور مقاومت: تجزیه و تحلیل نقشه راهبردی کشورها و گروه‌های عضو محور مقاومت و سنجش میزان پایداری آنها به اهداف مشترک.
- تنظیم مدل‌هایی برای همکاری منطقه‌ای نظیر صندوق مشترک توسعه یا تبادلات تجاری بدون دلار...

References

- Adibzadeh, M. (2018), "Language, Discourse, and Foreign Policy", Tehran: Akhtara. [in Persian].
- Arizi, S. M. (2016), "Iran, Resistance Groups, and National Security", Qom: Society for Defense of the Palestinian Nation. [in Persian].
- Alizadeh, M. J. (2019), "Strategic Pattern of Military Security in the Islamic Republic of Iran", Tehran: National Defense University and Research Institute . [in Persian].
- Asgari, G. (2023), "The Role of the Islamic Republic of Iran in Regional Convergence with Emphasis on the Axis of Resistance", Master's Thesis, Payame Noor University of Alborz Province. [in Persian].
- Chegini, A. (2021), " Explaining the Position of the Islamic Resistance Front in the National Security of the Islamic Republic of Iran", Sacred Defense Studies Quarterly, 7(4), 111-132 . [in Persian].

Heidari, T. (2022), "Regional Powers Competition in West Asia (Iran, Turkey, and Saudi Arabia) ", Tehran: University of Tehran . [in Persian].

Halimi, G. (2021), "Media and Contemporary Islamic Movements", Tehran: IRIB. [in Persian].

Khoshkhti, Mehdi (2016), Examining Constructivism Theory in Alexander Wendt's View on International Relations, Tehran: Rashdin . [in Persian].

Mirghisari, S. A. (2022), "Asymmetric Warfare Strategy on US Interests in the Middle East Post-September 11", Tehran: Sokankadeh . [in Persian].

Neko'nal, F. (2020), "The Axis of Resistance (From Conceptualization to Linkage with Regional and International Security of Iran) ", Tehran: Contemporary Abrar . [in Persian].

Nejat, A. (2023), "The Syrian Crisis (Roots, Dimensions, and Consequences) ", Tehran: Andishesazan Nour Studies . [in Persian].

Naderi, M. (2024), "The Impact of the Axis of Resistance on the National Security of the Islamic Republic of Iran", Tehran: First International Conference on Law, Political Science, Islamic Politics and Islamic Jurisprudence. [in Persian].

Panahandeh, J. (2021), " Iran Sanctions and International Laws", Tehran: Seventh International Conference on Legal and Judicial Studies. [in Persian].

Saeed-Vaziri, K. (2021), "The Impact of Cryptocurrencies on Unilateral Sanctions", New Technology Law, 2(4), 133-154 . [in Persian].

Shahbazi, A. R. (2024), "Why Should the Islamic Republic of Iran Support the Axis of Resistance? ", Isfahan: Fourth International Conference on Political Science, Management, Economics, and Accounting. [in Persian].